

# قدردانی از دریافت جایزه ساخاروف

✘ نسرین ستوده

بار دیگر مراتب سپاس و قدردانی و همچنین افتخار خود را بابت جایزه‌ای که به من تعلق گرفته است اعلام می‌دارم. من این جایزه را به تمام زندانیان سیاسی ایران تقدیم می‌نمایم و پیش از همه به اقلیتهای دینی که به نام اسلام، مذهبی که من پیرو آن هستم، بر آنان جفا روا داشته شده است، هموطنان بهایی و مسیحی‌ام و همچنین معترضان انتخاباتی که با صبر و بردباری حبس را تحمل می‌کنند و دیگر زندانیان سیاسی، به ویژه وکیل شجاع و ثابت قدم عبدالفتاح سلطانی که همواره با وجود تمام خطراتی که وی را تهدید می‌کرده است امر دفاع از متهمان سیاسی و عقیدتی را به عهده داشته است.

ریاست محترم پارلمان اروپا

خانم‌ها و آقایان محترم

در ابتدا دروذهای گرم و صمیمانه‌ی مرا از زندان اوین پذیرا باشید. همچنین تشکر بی‌پایانم را از بابت تعلق این جایزه به من و جعفر پناهی تقدیم‌تان می‌نمایم. کتمان نمی‌کنم که تعلق این جایزه مایه‌ی بسی افتخار و دلگرمی برای اینجانب جهت ادامه‌ی راه، توأم با صبر و آرامش خواهد بود.

فرصت مغتنمی در اختیار من است تا از رویاهایم با شما سخن بگویم.

رویاهایم زیاد است و در هم تنیده. بشر، از رویای مفاهیم کلی حقیقت و عدالت و قانون تا استقلال قضایی و دادگاههای بین‌المللی و مکانیسم‌های نظارت بین‌المللی بر اقدامات بی‌حد و مرز دولت‌ها راه درازی را پیموده است. اکنون بشر امروزی برای زیستن صلح آمیز و متناسب با شان خویش، حقوقی می‌طلبد، حقوقی که به حقوق بشر شهرت دارد، واژه‌ای فریبنده و سخت‌گیران از بخشی از آحاد بشر.

رعایت حقوق بشر که باید به مثابه‌ی یک وظیفه برای دولت‌ها به شمار می‌آید و حکومت‌ها موظف به رعایت آن هستند، به عنوان امتیازی

ارزیابی می‌شود که دولت‌ها به شهروندان نشان اعطاء می‌نمایند.

داستان حقوق بشر و مکانیسم‌های تضمین آن، مسیری را طی نموده است که پس از دهه‌های متمادی هنوز تحقق آن بیش از هر چیز به اراده‌ی دولت‌ها وابسته است که خود بزرگترین ناقضان حقوق بشر هستند.

این چنین است که حقوق بشر در جای جای کره‌ی زمین نقض می‌شود بی‌آنکه مکانیسم‌های موثری برای محافظت از آن، بتواند اقدام موثری به عمل آورد.

زندانی‌های بسیاری از کشورها در سراسر کره‌ی زمین مملو از مخالفان سیاسی و عقیدتی و دگراندیشان است.

اقدامات سیاسی و حقوقی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی برای حفظ حقوق بشر و دگراندیشان، حتی اگر تا اندازه‌ای در حفظ حقوق زندانیان سیاسی شناخته شده موثر واقع شود، هرگز نمی‌تواند حقوق هزاران زندانی سیاسی گمنامی را تامین کند که حقوق‌شان در هزارتوی مکانیسم‌های ناکامی بین‌المللی پایمال شده است.

البته کشورهایمانند چین، کوبا، ونزوئلا و در همسایگی ما روسیه و کشورهای عربی از جمله کشورهای هستند که زندانیان سیاسی شناخته شده‌ای دارند که سالهاست در زندان به سر می‌برند یا برده‌اند. لیبی، شیا ئوبو، دپلانکو و خواهران شورشی از جمله زندانیان سیاسی شناخته شده هستند. معه‌ذا آن‌ها نمونه‌هایی از یک واقعیت تلخ و گسترده‌ای هستند، مبنی بر این که چنین نظام‌هایی اقدام به حبس و زندان‌های طول‌المدت برای دگراندیشان یا مخالفان سیاسی در سطح گسترده می‌نمایند.

قطعا شما نیز نقض حقوق بشر را منحصر به موضوع زندانیان نمی‌کنید. طی دو سال گذشته منطقه‌ی خاور میانه چند انقلاب و ناآرامی را تجربه کرده است؟ کدام یک از این انقلاب‌ها در بهار عربی به موضوع حقوق بشر بی‌اعتنا بوده است؟ در حالی که مهم‌ترین خواسته‌ی این انقلاب‌ها از لیبی تا مصر، اردن تا عربستان و بحرین و فاجعه‌آمیزترین‌شان سوریه، آزادی بیان، آزادی مطبوعات استقلال قوه‌ی قضاییه، آزادی زندانیان سیاسی و قطع کشتارها بوده است که متأسفانه همچنان در سوریه ادامه دارد، می‌توان نتیجه گرفت مطالبه‌ی اصلی تمامی این انقلاب‌ها بنیادی‌ترین مقوله‌های حقوق بشر است که توسط دولت‌های مربوطه نقض می‌شده است. و از آنجا که این دولت‌ها هیچ راه مذاکره و گفتگویی باقی نگذاشته‌اند و مکانیسم‌های بین‌المللی نیز جهت تضمین

حقوق بنیادین بشر، پاسخگو نبوده است ما شاهد اوج‌گیری انقلاب‌ها در منطقه هستیم.

به راستی دنیای واقعی در قرن بیست و یکم همچنان بازی قدرتهای سیاسی است. دولت سوریه باید تا کجا به کشتار خود ادامه دهد؟ در کدام نقطه این اقدامات دولت سوریه جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود؟ و اگر عمل سوریه از مصادیق جنایت است چگونه باید این ماشین خشونت متوقف شود؟ نهادهای حقوق بشری چگونه می‌توانند این ماشین سرکوب را متوقف کنند؟

متأسفانه از دیدگاه من، بشری از ایران، زنی از ایران، مکانیسم‌های بین‌المللی برای پاسداری از حقوق بشر کافی نیست. حقوق بشر و دموکراسی میراث مشترک بشریت است و همه‌ی افراد بشر، شایسته‌ی برخورداری از آن هستند و باید در جهت حفظ آن تلاش کنند.

من از رویای عدالت در کشوری سخن می‌گویم که به دنبال یک روز انتخابات، صدها تن از معترضان انتخابات را که همه‌ی افتخارشان به آن است که با پرهیز از هرگونه خشونتی اعتراض خود را اعلام کرده‌اند، راهی زندان نمود. جرم آنها شک در صحت نتیجه‌ی انتخابات بوده است!!

مجموع احکام صادره علیه آنان بیش از هزار سال و تعدادشان صدها نفر بوده است. این انتخابات دهها نفر کشته و بیش از ۱۰ اعدام سیاسی را در پی داشته است که حکم آنها اجرا شده است. در حالی که مردم ایران استحقاق برخورداری از انتخاباتی آزاد، عادلانه و دموکراتیک را داشتند.

بازداشت‌ها به معترضان انتخاباتی ختم نشد، خانواده‌های آنان در معرض انواع تهدیدها و مجازات‌ها قرار گرفتند و وکلای آنان نیز به طور وسیع مورد بازداشت و صدور احکام سنگینی قرار گرفتند و حتی وکلایی که وکالت چنین وکیلانی را به عهده گرفتند مورد تعقیب قضایی و مجازات قرار گرفتند.

میدانید که سه تن از پنج وکیل اینجانب تحت تعقیب قضایی قرار گرفتند که هم اکنون نیز یکی از آنان، عبدالفتاح سلطانی با حکم ۱۳ سال حبس در زندان به سر می‌برد. از طرف دیگر آگاهید که فشار قضایی رو به تزاید علیه خانواده‌ام و به ویژه کودکانم مرا واداشت تا دست به اعتصاب غذا بزنم، زیرا که مجازات خانوادگی در تنبیه مضاعف زندانیان سیاسی و متلاشی کردن خانواده‌ها از طریق فشارهای قضایی

امری عادی و طبیعی است!! اجازه دهید بیش از این از دشواری‌هایی که با آنها مواجه‌ایم سخنی نگویم. من نیز مانند شما میدانم دموکراسی مسیری طولانی و دشوار را طی می‌کند. از این بابت شکایتی باقی نمی‌ماند جز صبر و مداومت بر ادامه‌ی مسیری که در پیش گرفته‌ایم. با این مقدمه قصد دارم به شما بگویم هرگز با چنین سختی‌هایی امید به آینده را از دست نداده‌ایم.

بی شک آنها که پیش از ما این مسیر را طی کرده‌اند، سختی‌هایی مشابه ما را پشت سر نهاده‌اند، اما امید، چراغ راه آنها بوده است.

کافی است به خاطر داشته باشیم حوالی سالهایی که مبارزات پیگیر مارتین لوترکینگ در اعتراض به تبعیض نژادی میرفت تا به ثمر بنشیند، در منطقه‌ای دیگر از دنیا نلسون ماندلا، در مبارزه با تبعیض نژادی قریب ۳ دهه حبس را آغاز کرد و در سال آزادی وی، در قاره‌ای دیگر زنی مبارز در برمه که اکنون میانمار نامیده می‌شود به جرم آزادیخواهی قریب دو دهه حبس را تجربه کرد.

اکنون در سالهای مقارن با آزادی آنگ سان سوشی، آزادیخواهان ایرانی به جرم آزادیخواهی و استفاده از روشهای کاملاً مسالمت جویانه روانه‌ی حبسهای طولانی مدت شده‌اند. اینها همه نشان از یک حقیقت دارد. مشعل آزادی دست به دست می‌گردد، اما خاموش نمی‌شود.

رویای تحقق عدالت، استقرار قانون و احیای حقوق بشر از طریق وکالت و سوسه انگیز است حتی اگر به زندان ختم شود.

هر نسلی حکایت‌های خاص خود را دارد. بشر کره‌ی زمین چندین نسل است که با تعصبات مذهبی دست و پنجه نرم می‌کند.

آنان که با تنگ نظری، جز پیروان دین خود را ساکنان جهنم می‌شمارند، آیا نمی‌دانند که بیشتر ساکنان کره‌ی زمین را به جهنم می‌فرستند؟

هم آنانند که دوست دارند کره‌ی زمین را به جهنم تبدیل کنند. به همین دلیل است که جدایی دین از حکومت ضروری است تا حکومت‌ها با سوء استفاده از قدرت رسمی‌شان فرصت ایجاد جهنم‌های بزرگ علیه پیروان افکار، ادیان و ایدئولوژی‌های دیگر را نیابند.

زمانی که بحث بر سر "عدم خشونت" است، خشونت طلبان هزاران استدلال می‌آورند تا خشونت رسمی را توجیه کنند. آنها می‌گویند کافی است مخالفین ما عقایدشان را انکار و یا حتی آن را کتمان کنند!!

راستی خشونت چیست؟ و عدم خشونت کدام است؟ آیا باید مردم معترض را که در گرفتن حقوقشان مصراند و با صبر و بردباری جفایی را که بر آنان تحمیل شده است، تحمل می‌کنند خشونت طلب دانست؟

اگر چنین بود باید به میلیون‌ها انسان در قرون وسطی ایراد گرفت که چرا در برابر کلیسا ایستادند.

بحث‌ها و مجادلات مذهبی را پایانی نیست و تا عمر نوع بشر پا برجاست. فرصت کافی برای این بحث‌ها هم وجود دارد و البته علاقمندان خود را در جای‌جای کره‌ی زمین داراست. نتیجه‌ی این بحث‌ها هرچه باشد، تاثیرات خود را بر زندگی افراد می‌گذارد. اما آنچه حائز اهمیت است حقوق این افراد است که باید حفظ شود. باید از تعقیب افراد به دلیل عقایدشان جلوگیری به عمل آید تا شاهد رعایت عدالت در جامعه باشیم و این امکان پذیر نیست جز با "استقلال قضایی".

من یک رویا بیشتر ندارم؛ رویای تحقق "عدالت" و بر این باورم این رویا در کشوری که به من تعلق دارد جز با استقلال قضایی محقق شود.

اما استقلال قضایی نیز به نوبه‌ی خود بسیار دور و دست نیافتنی است. وقتی فعالان سیاسی، فعالان مدنی، وکلاء، معترضان انتخاباتی، اقلیت‌های دینی و قاچاقچیان مواد مخدر همگی در دادگاه‌های انقلابی محاکمه می‌شوند که اصولاً "غیرعلنی" اند، احیاء عدالت و استقلال قضایی در چنین نظامی بسیار دور از دسترس قرار می‌گیرد.

پس من به راه حلی دیگر می‌اندیشم. به "دادگاه آسیایی حقوق بشر که اتباع کشورهای آسیایی بتوانند با مراجعه به آن دادگاه، از مظالم دستگاه قضایی نسبت به خود جلوگیری به عمل آورند و حقوقشان به طرزی شایسته، مورد حمایت نهادی منطقه‌ای قرار گیرد.

در توجه به نیاز بالاست که ضرورت رعایت حقوق بشر توسط دولت‌ها به عنوان وظیفه‌ی آنها حائز اهمیت است. حکومت‌ها باید بدانند که برای حفظ خودشان ناگزیر از رعایت حقوق بشر برای تکتک شهروندان هستند. اینجاست که باید تدابیری را بیندیشند تا دولت‌ها به تعهدات فریبنده‌ی بین‌المللی‌شان امیدوار بود، در غیر این صورت پیوستن به هر کنوانسیون‌ی جز تبلیغات پر سر و صدا، نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت.

حق، حقیقت و حقوق مفاهیمی بس والا است که در طی سالیان متمادی توسط افرادی به مفاهیمی دور، دست نیافتنی و پیچیده تبدیل شده

است.

به باور من آزادی رهایی است. همان رهایی از منافع شخصی تا نگذارد حقیقت را کتمان کنیم یا حتی بی‌اعتنا از کنار آن بگذریم. آن باور حقیقت بین، رنج را بر خود هموار می‌سازد تا با احساسی توأم با رهایی و آزادی زندگی رضایت بخشی را تجربه کند.

بار دیگر مراتب سپاس و قدردانی و همچنین افتخار خود را بابت جایزه‌ای که به من تعلق گرفته است اعلام می‌دارم. من این جایزه را به تمام زندانیان سیاسی ایران تقدیم می‌نمایم و پیش از همه به اقلیتهای دینی که به نام اسلام، مذهبی که من پیرو آن هستم، بر آنان جفا روا داشته شده است، هموطنان بهایی و مسیحی‌ام و همچنین معترضان انتخاباتی که با صبر و بردباری حبس را تحمل می‌کنند و دیگر زندانیان سیاسی، به ویژه وکیل شجاع و ثابت قدم عبدالفتاح سلطانی که همواره با وجود تمام خطراتی که وی را تهدید می‌کرده است امر دفاع از متهمان سیاسی و عقیدتی را به عهده داشته است.

ایشان وکالت مرا نیز به عهده داشتند و در دفاع از اینجانب نیز شجاعت و چیره دستی بی‌نظیری را از خود نشان دادند. او اکنون به ۱۳ سال حبس توأم با تبعید به یکی از شهرستانهای دور دست ایران محکوم شده است و استوار و ثابت قدم در حال گذراندن حبس خویش است.

با تقدیم بهترین احترامات  
و با آرزوی تحقق حقوق بشر در سراسر جهان

نسرین ستوده  
اوین آذر ۱۹۳۱